

خلاصه گزارش تحقیقاتی انجام شده
دکتر کامبیز طالبی. آذرماه ۱۴۰۱
استاد دانشگاه تهران

لیست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه
۳	نقش کار آفرینان زن
۴	به طوری که هشت وظیفه برای زنان کارآفرین وجود دارد
۴	ضرورت کار آفرینی زنان
۴	کار آفرینی ابزار توانا سازی زنان
۵	تفاوت‌های زنان کار آفرین با مردان کارآفرین
۶	تشکیل زنان مبتکر دنیا (WOWi)
۷	محیط و محدودیتهای کارآفرین زنان
۸	راههای توسعه کار آفرینی زنان
۱۰	کارآفرینی زنان در جامعه
۱۴	موانع کارآفرین زنان
۱۵	آموزش تکنیکهای کارآفرینی به کودکان و دختران جوان
۱۶	عدم وجود نهادهای دولتی حمایت کننده زنان کار آفرین
۱۷	الگوی توسعه کارآفرینی زنان در ایران
۱۹	دولت به عنوان سیاستگذار و حمایت کننده
۲۱	انجمن زنان کارآفرین ایران
۲۱	نقش زنان در رشد جوامع

۲۳	هفت راز موفقیت زنان
۲۴	خلاصه و نتیجه گیری
۲۸	منابع و مآخذ
	مقدمه

زنان حدود نیمی از جمعیت کشور را به خود اختصاص داده اند و نسبت آنان در جامعه تحصیل کرده هم چنان رو به تزاید است . اما هنوز سهم شایسته ای در اقتصاد ملی به دست نیاورده اند .

جوان بودن ترکیب سنی ، افزایش سهم حضور زنان در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و از طرفی پایین بودن نسبت نرخ فعالیت زنان ، کمبود شغل و افزایش بیکاری تصاویری را پیش رو قرار می دهد که دیگران نمی توان در سطح شعار و اندرز محدود شد . شرط بقاء در دنیای پرشتاب کنونی استفاده از همه ی منابع موجود و توان افزای کلیه ظرفیتهای در اختیار است . انتخاب این مسیر مستلزم فراهم ساختن بستری است که امکان بروز و ظهور ابتکارات و تدابیر خلاقانه و فعالیتهای کار آفرینانه را فراهم سازد . در این میان شناخت توانمندیهای زنان و هدایت استعدادهای خلاقانه آنان می تواند در بهره برداری از ظرفیتهای این قشر عظیم اجتماعی مؤثر واقع شود . به عبارتی شناسایی الگوهای موفق می تواند در ایجاد فضای مناسب برای شکل گیری فعالیتهای کارآفرینانه توسط زنان علیرغم محدودیت های فردی و گروهی مفید باشد .

از این طریق می توان ضمن شناخت موانع و محدودیت های گوناگون زنان کارآفرین ، تدابیر و امکانات تجربه شده موجود را در جهت رفع موانع مورد مطالعه قرار داد . نتایج این شناخت امکان مناسبی را برای برنامه ریزی در جهت بکارگیری ظرفیتهای کار آفرینی و

توسعه آن در سطح ملی فراهم خواهد ساخت . و نیز این امکان را به عناصر مؤثر در امر اشتغال خواهد داد تا در جهت اقدامات عملی و مؤثر نسبت به جذب و پرورش استعداد های بالقوه زنان کشور در زمینه ایجاد کسب و کار های جدید با دید عملی برخورد کنند و در جستجوی راه هایی برای توسعه کار آفرینی زنان همت گمارند .

نقش کار آفرینان زن

- * عامل نوآوری
- * عامل تعادل در اقتصاد
- * عامل اشتغال زایی
- * عامل انتقال تکنولوژی
- * عامل سرمایه گذاری
- * عامل شناخت فرصت ها
- * عامل ایجاد و گسترش بازارهای جدید
- * عامل استفاده مناسب از امکانات و منابع ملی
- * عامل بسیج منابع انسانی
- * عامل بهبود کیفیت زندگی
- * عامل تولید
- * عامل توزیع متناسب در آمد

به طوری که هشت وظیفه برای زنان کارآفرین وجود دارد

۱ - از موقعیت های محیط آگاه می شود

۲ - برای استفاده از این موقعیتها خود را در خطر می اندازد

۳ - برای کار سرمایه گذاری می کند

۴ - نو آوریها را معرفی می کند

۵ - کار و تولید را نظم می بخشد

۶ - تصمیم می گیرد

۷ - برای آینده برنامه ریزی می کند

۸ - محصولات خود را با سود می فروشد

ضرورت کار آفرینی زنان

- رشد تعداد فارغ التحصیلان دانشگاهی زن
- افزایش نرخ بیکاری به ویژه در جامعه فارغ التحصیل زن
- کمبود شغل در بخش عمومی
- جهت گیری نسبی سیاستهای کلان کشور در راستای رشد بخش خصوصی
- رشد تمایلات خویش فرمائی

کار آفرینی ابزار توانا سازی زنان

I want to do + I can do + I will do

من این کار را انجام خواهم داد + من می توانم این کار را انجام دهم + من میخواهم این کار را انجام دهم .

توانا سازی + احساس توانایی + انگیزه توانایی

توانا شدن یعنی :

۱ - احساس قوی از توانستن برای انجام یک کار مشخص

۲ - احساس کنترل و تسلط بر زندگی شخصی

۳ - آگاه شدن از نقاط قوت و ضعف خود

۴ - آگاه شدن از ارزشها و نگرش های شخصی

۵ - اطمینان از توان خود برای رسیدن به هدف

۶ - هدایت یک فعالیت و رضایت از زندگی

تصویر مثبت از خود = اعتماد به خود + احترام به خود

Selfrespect + selfconfidence = positive selfesteem

تفاوتهای زنان کار آفرین با مردان کار آفرین

در محیطی که توسط M.namaki و G.Erritsen انجام شده ، نتایج زیر بدست

آمده است .

۱ - اعتماد به نفس : زنان کار آفرین نسبت به مردان اعتماد به نفس کمتری دارند

۲ - موفقیت طلبی : علیرغم اعتقاد قبلی که زنان بیشتر به وابستگی احتیاج دارند

تا به پیشرفت ، این تحقیق نشان می دهد که نیاز به پیشرفت مدیران زن همپراز مدیران

مرد است ولی نیاز به پیشرفت زنان کار آفرین بیشتر از زنان مدیر است .

۳ - رهبری : رهبری مردان و زنان کمی با هم فرق دارند ولی نه در همه موارد بلکه

در سبک رهبری .

۴ - مردم گرایی : زنان بر عکس مردان به مردم به چشم وسیله ای برای رسیدن به

هدف نگاه نمی کنند و نیز بر عکس مردان نمی توانند نقش خودشان را به عنوان یک

شخصیت و یک کارمند به روشنی تقسیم و مجزا کنند . بنابراین نسبت به باز خوردها ی

منفی آن طور که مردان به راحتی واکنش نشان می دهند ، زنان از خود عکس العملی بروز نمی دهند .

۵ – آینده نگری : مردان بیش از زنان آینده نگر هستند .

۶ – ریسک پذیری : مردان بیش از زنان ریسک پذیر هستند و زنان نسبت به ریسک انفعالی عمل می کنند .

۷ – ترس از موفقیت : ترس از موفقیت نه تنها در مورد همه زنان صدق می کند بلکه در بعضی از مردان نیز ترس از موفقیت وجود دارد .

تشکیل زنان مبتکر دنیا (WOWi)

تشکیل زنان مبتکر دنیا از جمله خدماتی را که ارائه می کند ، مربیگری است . علاوه بر آن فرصتی را ایجاد می کند که زنان فارغ التحصیل یا در حال تحصیل در سراسر دنیا با این تشکیل ارتباط برقرار کرده بتوانند به برنامه های ایشان در بوستون پیوندند .

WOWi با انجمن زنان کارآفرین دانشگاه بوستون همکاری مشترک دارد . دانشجویان مستقیماً می توانند برای مشاوره شغلی به این شبکه بین المللی دسترسی داشته باشند . WOWi در سطح جهان از زنان علاقمند مصاحبه می کند آنها را پرورش می دهد و با مربی یا مربیهای مناسب آشنا می کند . به منظور هماهنگ شدن دانشجویان WOWi شرایط حضور دانشجویان را در سخنرانی ها ، ملاقات ها ، و غیره فراهم می آورد . برخی از کشورهایی که عضو این تشکیل هستند عبارتند از : آرژانتین ، چین ، بنگلادش ، کامرون و بلغارستان دانشجویان دانشگاه بوستون می توانند بدون پرداخت شهریه به اینگونه خدمات WOWi دست یابند . تنها انتظاری که WOWi در قبال ارائه این خدمات دارد این است که

زنانی که توسط مربیها آموزش دیده اند در آینده خود به عنوان مربی عمل نموده به دیگر بانوان متقاضی آموزش دهند .

محیط و محدودیتهای کارآفرین زنان

سازمان بین المللی در یک دسته بندی موانع زنان را به صورت زیر دسته بندی کرده

است :

موانع رفتاری : زنان اعتماد به نفس کمتر و تصویری منفی از خود دارند .

موانع ایفای نقش : تعارض بین وظایف مختلف (از جمله وظایف خانوادگی) با

محدودیتهای زمانی

موانع اجتماعی و فرهنگی : این باور که زنان بایستی وظایف دیگری به عهده داشته

باشند ، محدودیتهای بر حسب نوع شغل انتخابی ، کمبود حمایت خانوادگی ، کمبود تغییر

پذیری و غیره به وجود می آورد .

موانع تحصیل : زنان به طور نسبی از سطوح تحصیلی پائین تری نسبت به مردان

برخورد دارند و اغلب دسترسی محدود به فرصت های آموزش شغلی دارند .

موانع شغلی : زنان فرصتهای کمتری در بخش رسمی و اقتصادی برای ترقی مهارت

هایشان دارند .

موانع زیربنایی : دسترسی به اعتبار ، فن آوری ، خدمات حمایتی ، زمین و اطلاعات

به طور اصولی برای زنان مشکل تر است .

موانع قانونی : فعالیت قانونی مستقل برای زنان محدود است .

راههای توسعه کار آفرینی زنان

موانع گذشته و موجود زنان کارآفرین ، صاحب نظران و سیاست گزاران دولتی و نیز سازمانهای غیر دولتی را به فکر چاره جویی برای ایجاد راههایی جهت و یا کاهش آنها انداخت ، بر اساس این تامل اقدامات مثبتی به ویژه در کشورهایی که کار آفرینی را در برنامه های اقتصادی – اجتماعی فرد جای داده اند ، اجرا گردید .

اهم فعالیت های انجام شده در سطح جهانی توسعه کار آفرینی زنان عبارتند از:

- محو و یا کاهش تبعیضهای جنسیتی و پذیرش هر چه بیشتر زنان در صحنه های اقتصادی و اجتماعی
- آموزش زنان برای اعتماد آنها به توانائی های خود و به طور کلی ارتقا آگاهی عمومی از نقش اقتصادی زنان
- ایجاد تسهیلات لازم دسترسی زنان به تحصیلات و کسب دانش و مهارت های مدرن فنی و مدیریتی
- معرفی الگوهای موفق زنان کار آفرین به اجتماع
- بالا بردن سطح دسترسی زنان به منابع و احاطه آنان به منابع تولید
- شناسائی فرصتهای شغلی بادوام و انجام خدمات حمایتی در این مورد
- فراهم کردن زمینه های دسترسی به طرحهای قابل دوام
- کاهش مراحل اداری تاسیس و اداره شرکت ها
- معرفی و تقویت کانال های مناسب برای توزع خدمات مالی و غیره مالی به شرکتهای مختلف
- ایجاد شبکه ها و تضمین همکاری مناسب بین تمامی بخشها و مؤسسات دولتی و غیر دولتی در امر پیشبرد توسعه کسب و کار به ویژه در زمینه های :

- تعلیم دانش مدیریت و مهارت‌های فنی
- انتخاب فن آوری
- اطلاعات
- مشورت های قانونی
- خرید و فروش در بازار
- مدیریت

- تقویت کسب اطلاعات مربوط به زمینه های مختلف مشارکت زنان
 - انتشار وسیع و گسترده اطلاعات در مورد فرصت‌های شغلی موجود و خدمات حمایتی
 - بدست آوردن جلب همکاری مردان در برنامه های مرتبط با زنان کارآفرین
 - تقویت نهادهای مشاوره ای جهت خدمات رسانی به زنان کارآفرین
- به طور کلی موثرترین حمایت‌های دولتی و غیره دولتی از کارآفرین زنان که به کسب توسعه و تقویت زنان کارآفرین بوده و آثار مشهودی در جوامع مختلف از خود به جای گذاشته می توان به چهار دسته تقسیم کرد :

۱- ایجاد فرصت های شغلی

۲- ایجاد تسهیلات مالی و اعتباری

۳- قابلیت کارآفرینی

۴- ایجاد شبکه های محلی و منطقه ای و جهانی

کارآفرینی زنان در جامعه

توسعه پایدار جوامع و به تبع آن توسعه منابع انسانی وابسته به آنست که دولت ها به عنوان قدرتمندترین عامل اقتصادی و اجتماعی بتوانند ضمن بستر مناسب و ایجاد فضای

لازم جهت رشد و شکوفایی استعدادهای انسانی ، از توان کل جمعیت فعال اقتصادی اعم از زن و مرد بهره جسته و آن توان را اثر بخش نمایند .

ترکیب جمعیت در جهان کنونی نشان دهنده آن است که نیمی از آن را زنان تشکیل می دهند . به این لحاظ توجه به استعداد و نقش زنان در چرخه اقتصادی و اجتماعی کشورها ، به عنوان نیروی کار ضرورت دارد . به همین دلیل بسیاری از دولت ها در شرایط سخت اقتصادی خود توانسته اند با اتخاذ تدابیر و سیاستهای ویژه نسبت به بهره مندی از نیروی کار زنان بر بحرانهای اقتصادی فایق آیند و یا در مسیر توسعه با گامهای سریعتری حرکت کنند . تاثیر اقدامات دولتها نشان دهنده دگرگونی نقش اجتماعی و اقتصادی زنان می باشد . نقش زن در محیط کار جهانی در فاصله ۵۰ سال گذشته تغییرات بر جسته ای پیدا کرده است . در سال ۱۹۴۰ کل نیروی کار زنان به نسبت کل زنان ۲۶ درصد بود که اغلب در مشاغل مانند پرستاری ، منشی گری یا معلمی مشغول بودند . (Hisrich ، ۱۹۸۵ ص ۶۱) جنگ جهانی دوم زنان را وارد بازار کار کرد . اما ارزش های پذیرفته شده از قبیل این که « مرد رئیس خانواده است » و « زن باید به خانه داری بپردازد » ، فرصت مناسبی چندانی برای کار در اختیار زنها قرار نمی داد مگر در صورت ضرورت ، کار زنان نسبت به مردان از اهمیت کمتری برخوردار بود و اغلب نیمه وقت بوده و دستمزدهای کمتری نیز دریافت می کردند . این هنجارهای اجتماعی قالب های شغلی کلیشه ای شده ای را ساخت و در نتیجه فرصت های بسیار محدودی برای زنان در زمینه های مانند امور مالی و تجاری ، بنگاهداری یا تحقیق و توسعه فراهم کرد . انگیزه زنان برای راه اندازی کار مشخص بسیار پایین بود . با گذشت سالیان متمادی زنان کوشیدند که این باورهای اجتماعی را تغییر دهند . از طرفی دولتها نیز به منظور فعال کردن نقش زنان در اقتقاد جوامع ، نسبت به اتخاذ سیاستهایی

جهت توسعه اشتغال و به ویژه توسعه کارآفرینی زنان همت گماشتند بحث کارآفرینی زنان از دهه ۷۰ مطرح گردید. نگاهی به سهم کار آفرین زنان در اقتصاد برخی از کشورها نشان می دهد که آنها توانسته اند مسیر توسعه کارآفرینی را به خوبی طی کنند.

آمریکا - در ایالات متحده در سالها ی قبل از ۱۹۷۰ زنان تنها ۵ درصد از کل مشاغل امریکی را در دست داشتند. در ۲۵ اکتبر ۱۹۸۸ رونالد ریگان رئیس جمهور وقت، قانون مالکیت مشاغل زنان را در جهت برنامه ریزی و کوششهای نوین برای حمایت از مشاغل کار آفرینی زنان به تصویب رساند. این قانون جدید شناخت مؤثری از زنان کار آفرین به همراه آورد. در زمانی که آمریکا از کسری بودجه رنج می برد سیاست بهره مندی از استعدادها و انرژی زنان در اقتصاد امریکا حیاتی گردید و روند بهبود را تسریع بخشید. کسب و کار متعلق به زنان بخشی است که سریع ترین رشد را در میان مشاغل با افزایش معادل ۲/۶ میلیون از سال به ۵ میلیون سال ۱۹۹۰ داشته است. طبق آمارهای سال ۱۹۹۵ که از سوی دولت آمریکا منتشر شده است، حدود ۶۴٪ از زنان آمریکایی در سنین ۱۵ تا ۶۹ (سنین اشتغال) سال قرار داشتند و از مجموع این زنان ۶۰٪ شاغل می باشند که یکی از بالا ترین نسبتها در کل جهان است. در حال حاضر تقریبا ۵۸ درصد از زنان کار آفرین در بخش خدمات هستند. این امکان وجود دارد که زنان کارآفرین به حضور ممتاز خود در صنایع خدماتی ادامه دهند. دلایل آن عبارت است از:

۱ - صنایع خدماتی در مقایسه با سایر صنایع احتیاج به سرمایه گذاری کمتری

دارند.

۲ - صنایع خدماتی فرصتهای بیشتری برای ارتقاء شاخص های برگزیده ای

که در زمان شروع به کار و رشد مراحل کار آماج انتقادات میشود فراهم می سازد.

همزمان با رشد بخش خدمات ، فرصتهایی بیشتری در اختیار علاقمندان به کسب و کار قرار می گیرد . نمونه ای از این فرصتها عبارتند از : رستوران داری ، بوتیک داری و گل فروشی ، کار آفرینان برای شروع به این کارها احتیاج به سرمایه کمی دارند و بدون پرداخت یک گرامت سنگین می توانند این مشاغل را رها کنند .

هند - جهت ارج نهادن به نقش سازمانهای غیر دولتی و داوطلب جهت بهبود وضعیت اجتماعی و اقتصادی زنان بانک توسعه صنایع هند تصمیم گرفت تا اعتباری به نام اعتبار ویژه توسعه زنان به منظور رفاه و توسعه کارآفرین اختصاص دهد . مبلغ این وام ۳۰ میلیون روپیه هندی می باشد که به سازمانهای داوطلب و غیر دولتی جهت حمایت زنان کارآفرین که سرمایه ای جهت راه اندازی صنعت و تجارت خود ندارند ، پرداخت می شود .

به منظور تسهیل در کار شتاب بخشیدن به جریان کمک در بخش صنایع کوچک ، وامهای پرداختی کوچک تا سقف ۷۵۰۰۰۰ روپیه بدون هر گونه ارزیابی بیشتر و تحت طرح تامین مالی مجدد بانک توسعه صنعتی هند ، تجدید می گردد . در رابطه با صنایع دستی و روستایی و صنایع خیلی کوچک ، کمکهای مالی تا سقف ۵۰۰۰۰ روپیه با نرخ کمتری (۲ تا ۱۰ درصد) و بدون دریافت عوارض مربوطه و وثیقه ملکی و با دوره باز پرداخت بلند مدت تری به صنایع مزبور اعطا می گردد . تسهیلات مشابهی نیز برای کسانی که از لحاظ جسمی یا اجتماعی ناتوان هستند در نظر گرفته شده است . تجدید کمک مالی در چنین مواردی تا ۱۰۰٪ مبلغ وام و در موارد دیگر ۷۵٪ تا ۸۵٪ مبلغ وام اصلی می باشد .

سازمان ملی مشاغل کوچک و برخی از شرکتهای توسعه صنایع کوچک در ایالتهای مختلف فعالیت می نمایند به صورت خرید استیجاری ، ماشین آلات را تهیه و تامین می کنند . با در نظر گرفتن نیاز به ایجاد تسهیلات زیر بنایی اولیه و اساسی به صورت زمین

آماده سازی شده و کارگاههای صنعتی برای واحدها ، شرکتهای توسعه صنعتی ایالتی تسهیلاتی در این زمینه ارائه می دهند . شرکتهای کوچک ایالتی اقدام به فراهم نمودن کارگاه همراه با سایر امکانات مربوط با نرخ های سرسید داده شده می نمایند و این کارگاهها به صورت فروشی قطعی ، فروشی استیجاری یا به صورت استیجاری عرضه می کنند .

موانع کارآفرین زنان

بررسیها و تحقیقات انجام شده در مورد موانع کارآفرینی زنان در کشورهای مختلف نشان می دهد که سه دسته موانع در مقابل زنان کارآفرین قرار دارد . دسته اول موانعی هستند که برای کلیه زنان و مردان کارآفرین وجود دارد . دسته دوم موانعی است که به دلیل شرایط خانوادگی ، اجتماعی و حقوقی در مورد زنان کارآفرین شدید تر است و دسته سوم که صرفا موانع زنان کارآفرین می باشند .

به طور کلی کارآفرینان با دو نوع موانع روبرو هستند : یکی موانع شروع به کار و دیگری مشکلات ادامه کار . در مرحله آغازین کار ، مشکلات عبارتند از : کمبود تجربه کاری ، دشواری کسب سرمایه و بی تجربگی در برنامه ریزی . در ادامه کار مشکلات عبارتند از : کمی تجربه در برنامه ریزی ، هدایت سرمایه و دشواری در جلب مشتری . بسیاری از مطالعات به عمل آمده حاکی است که در مقایسه با مردان ، زنان مشکلات بیشتری در جلب سرمایه گذاری دارند .

آموزش تکنیکهای کارآفرینی به کودکان و دختران جوان

تجربه نشان داده است که هر چه زودتر مهارت های اولیه آموزش داده شوند مؤثرتر خواهند بود . رئیس هیئت مدیره تجارت آمریکا یک برنامه تحت عنوان (هیئت تجاری

مجازی) ترتیب داده است. که دانش آموزان متوسطه یا دبیرستان یا پیش دانشگاهی را در زمینه اهمیت تجارت آموزش دهد. ایالات متحده اردوهای تابستانی دارد که در آنها دختران جوان می آموزند که چگونه یک کار را مدیریت و رهبری و کار آمد سازس را تجربه کنند. در برخی از مدارس ۸ و ۹ ساله می آموزند که مشاغل ساده را اداره و اوراق بهادار واقعی را به کار ببرند.

Sba - یک اردوگاه تابستانی برای دختران دبیرستانی است که مایل به دانستن بیشتر در مورد کار آفرینی هستند. اردوگاه جنبه های مختلف مالکیت مشاغل از قبیل برنامه ریزی مالی، مدیریت، تبلیغات و خرید و فروش و بازاریابی را به شرکت کنندگان می آموزد. تیم هایی از شرکت کنندگان مفاهیمی برای مشاغل خود در نظر می گیرند پس می کوشند که این مفاهیم را به متخصصان بفروشند.

عدم وجود نهادهای دولتی حمایت کننده زنان کار آفرین

در ایران نهاد یا سازمان که متخصص به کار آفرینی باشد، وجود ندارند تنها در برخی از وزارتخانه ها و نهادهای دولتی حمایت های محدودی از خود اشتغالی مشاهده می گردد. حتی این حمایتها هم به صورت عمومی بوده و خاص زنان خود اشتغال نمی باشد و در رابطه با طرح خود اشتغالی هم عموماً مشکلاتی مشاهده می شود که عبارت است از:

۱ - کمبود اعتبارات به نسبت متقاضیان خود اشتغالی

۲ - کمبود مشاوران زبده جهت هدایت و راهنمایی خود اشتغالی در فرآیند ایجاد و

توسعه کسب و کار.

۳ - دور شدن مراکز خود اشتغالی از اهداف اولیه (در اهداف اولیه آن مطرح بود که بازارچه ، محل محصولات تولیدی خود اشتغالان است در حالیکه برخی از غرفه ها صرفاً حالت تجاری داشته و محصول تولید شده به صورت عرضه مستقیم نیست .)

۴ - عدم تطابق مشاغل با ترکیب تحصیلی نیروی انسانی متقاضی خود اشتغالی به طور مثال علاقمندی به خدمات فنی و کامپیوتر ، و نظیر آن بویژه در جوانان وجود دارد که زمینه لازم برای آن باید فراهم گردد .

الگوی توسعه کارآفرینی زنان در ایران

فرایند تدوین استراتژی مناسب برای توسعه کارآفرینی زنان سه مرحله اساسی را دربردارد :

۱ - هدف

۲ - شناخت

۳ - استراتژی

۱ - تبیین هدف

هدف ، توسعه کارآفرینی زنان می باشد . در شرایطی که برای عبور از اقتصاد تک محصولی ، به کارگیری نیروی توانمند و خلاق منابع انسانی و ایجاد زمینه و امکانات برای رشد استعدادهای خلاق ضرورت می یابد ، توسعه کارآفرینی می تواند از جمله الزامات چنین هدفی محسوب گردد . در این راستا زنان کارآفرین می توانند جایگاه مناسبی به خود اختصاص دهند . اما از آنجا که زنان در شرایط برابر با مردان با موانع بیشتری مواجه می باشند ، توجه به جایگاه آنان در این امر با ملاحظات و تاکید بیشتر همراه است .

۲ - شناخت واقعیت‌های موجود (موانع و فرصتها)

استراتژی هنگامی می تواند در مرحله عمق موفق باشد که مبتنی بر واقعیت‌های محیطی تدوین شده باشد. هر چند که اهداف باید به نوعی آرمانی باشند اما برای رسیدن به هر آرمانی باید از متن واقعیات عبور کرد. بررسی انجام شده و نتایج خلاصه از موانع و فرصتها زنان کارآفرین نشان دهنده آنست که آنان با موانع متعدد خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی مواجه می باشند و علیرغم آن توانسته اند اراده خود را در جهت توسعه کارآفرینی به کار گرفته و راههایی برای رفع موانع جستجو و طی نمایند. مضاعف بر آن گوناگونی شرایط خانوادگی، منطقه جغرافیائی (شهر و روستا)، نوع کسب و کار، تحصیلات کارآفرینان، نوع و شدت موانع آنها را تغییر می دهد. بنابراین برای توسعه کارآفرینی زنان لازم است موانع و فرصتها را شناخت و آنها را در نظر داشت. در اینجا توجه به دو نکته ضروری است:

۱-۲- نگرش به زن به عنوان انسانی اجتماعی، مسئول و خلاق

دیدگاه تاریخی ناشی از حاکمیت مذکور و فرهنگ استبداد و رسوب آن در شرایط اجتماعی امروز، هنوز نتوانسته است این باور را به طور کامل به منصفه ظهور رساند که زن به عنوان جنس دوم موجودی اجتماعی، خلاق و مسئول آفریده شده است.

یکی از واژه های مهم قرآنی انسان است، انسان اسم جمع است. بنی آدم

و لاجرم مرد و زن را یکسان در بر می گیرد. خداوند در قرآن انسان را مسئول شناخته و در ضمن آیات متعدد زن و مرد را در کنار هم و یکسان مسئول سرنوشت و هدایت خود و جامعه معرفی کرده است. از این رو نگاه به زن باید به گونه ای باشد که او عنصری مسئول و خلاق دریابند.

۲-۲- اهمیت ویژگی های عمومی زنان کار آفرین

دو عنصر مسلمان بودن و ایرانی بودن به همراه خود فرهنگ، آداب و سنن، روحیات و شرایطی را برای زنان کار آفرین پدید می آورد که لاجرم در کسب کار او تاثیر خواهد گذاشت. از این رو باید به واقعیت های نشأت گرفته از این مذهب و ملیت توجه نمود.

۳- تدوین استراتژی

استراتژی مورد نظر سه عنصر زیر را شامل می شود.

۱- ۳- حفظ نهاد خانواده

۲- ۳- نقش دولت به عنوان سیاستگذار و حمایت کننده

۳- ۳- نقش نهادهای غیر دولتی به عنوان بستر ساز و حمایت کننده

به طوری که در این الگو توسعه کار آفرینی زنان با کمک سه عنصر خانواده، دولت و نهادهای غیر دولتی قابل تحقیق است.

دولت به عنوان سیاستگذار و حمایت کننده

مطالعات فرایند توسعه کار آفرینی در سایر کشورها نشان داده است که دولت ها حتی در کشورهای پیشرفته صنعتی در این زمینه نقش مهمی ایفا نموده اند. نقش دولت در کشورهای کم توسعه یافته که هنوز نهادهای غیر دولتی سامان جدی نیافته اند و بسیاری از امور در نهاد دولت متمرکز است، مهمتر می باشد. اما نقش دولت در زمینه ترغیب کار آفرینان زن بهتر است محدود به سیاست گذاری و حمایت از کار آفرین باشد. دولت سیاستگذار و حمایت کننده است و از ورود به مرحله اجرا باید پرهیز کند. دلایل این توسعه در نکات زیر خلاصه می گردد:

- جلوگیری از کندی یا توقف سیاستهای اتخاذ شده در مرحله اجرا به دلیل بروکراسی

حاکم بر دستگاههای دولتی

- زمینه سازی برای شکل گیری نهادهای غیر دولتی

- تمرکز دولت بر امر سیاست گذاری در زمینه توسعه کار آفرینی

تحقق توسعه کارآفرینی زنان منوط به اتخاذ ساستهای لازم جهت زمینه سازی و توسعه کارآفرینی زنان است این سیاستها می توند در برنامه پنجساله توسعه اقتصادی - اجتماعی - فرهنگی کشور و نیز برنامه های سالانه قرار گیرد . با این تعریف ۹ اقدام اساسی برای دولت به عنوان سیاستگذار و حمایت کننده پیشنهاد شود . موارد زیر سیاستها و اقدامات عمومی در جهت حمایت از کلیه کارآفرینان اعم از زن و مرد می باشد اما به دلیل محدودیتهای عدیده ای که در بخش های قبلی اشاره گردید ، علاوه بر ضرورت اقدامات مذکور اتخاذ سیاستهای ویژه جهت حمایت از کارآفرینی زنان موضوعیت پیدا می کند .

۱ - توجه به تفاوت شرایط و مقتضیات اقتصادی - اجتماعی شهر و روستا و نیز مناطق مختلف جغرافیائی کشور و به تبع آن اتخاذ سیاستهای متناسب با هر منطقه .

۲ - در نظر گرفتن کلیه ابعاد اجتماعی - اقتصادی کارآفرینی زنان

۳ - عنایت به گوناگونی شرایط و نیازمندیهای حرفه ای مختلف کسب و کار

۴ - تدوین و اجرای قوانین و دستورالعمل های تشویقی و حمایتی کارآفرینی

۵ - ایجاد تسهیلات اعتباری

۶ - تقویت نهادهای غیر دولتی

۷ - پرورش مدیران کآفرین

۸ - ترویج کارآفرینی زنان

۹ - تقویت شبکه های همکاری محلی و منطقه ای

انجمن زنان کارآفرین ایران

انجمن زنان کارآفرین از سال ۱۳۸۵ فعالیت خود را آغاز کرده و با شناسایی و با عضویت ۳۵۰ زن کارآفرین، گامهای خوبی برای فعال شدن هر چه بیشتر زنان در عرصه کار و کارآفرینی برداشته شده است قصد انجمن این است که زنان کارآفرین و صاحب کسب و کار از سراسر کشور گرد هم آیند تا بتوانند از علم و عمل و تجربه هم در جهت هم آمرزی و شناخت فرصت های محیطی و کاری جدید استفاده کنند و چالش های مشترک را با مدیران و کارگزاران در میان بگذارند. انجمن عناصر مؤثر در محیط های کارآفرین اعم از کارآفرینان، دولت و دانشگاه، تشکل های حرفه ای، بانکها، نهادهای عمومی و جوانان جویای کسب و کار دعوت می کند و همچنین از آنها می خواهد تا هر کدام بر اساس جایگاه و دیدگاه خود در بحث کارآفرینی فعال شوند و در اشاعه فرهنگ کارآفرینی و زمینه سازی برای توسعه ظرفیت مدیریت زنان کارآفرین و نیز نیروهای خلاق و جوان به فرایند کارآفرینی در سطح ملی راهگشا باشند.

نقش زنان در رشد جوامع

بنابراین ما نیاز برای رسیدن به جامعه مطلوب و مولد و کارآفرین، زنان موفق و کارآفرین را نیز در این عرصه ها بینیم و از توان آنها برای حل مشکل اشتغال کشور بیشتر استفاده کنیم. خانواده ها باید زمینه و عرصه ای را فراهم کنند تا افراد مبتکر، نوآور و خلاق بویژه بانوان بتوانند عرصه های جدید کسب کار را ایجاد و گسترش دهند. همانطور که دختران و زنان در سال های گذشته، بیشترین ورودی دانشگاه ها را به خود اختصاص داده اند و منتظر کسی یا چیزی نبوده اند باید در عرصه کارفرینی و اشتغال نیز خودشان پیشقدم شوند و گامهای اصلی و اساسی را بردارند. وظیفه دولت ایجاد اشتغال نیست دولت با دادن وام به یک فرد نمی تواند ایجاد اشتغال کند ولی با ارائه تسهیلات و حمایت های

بستر ساز به کارآفرینان می تواند ، موجب اشتغال و کارآفرینی شود . ما با « جامعه » مواجهیم و جامعه برای توفیق در کار و کارآفرینی به توان همه ی افرادش نیاز دارد و این جوامع رخ نداده است .

هفت راز موفقیت زنان

هفت راز موفقیت زنان چیست ؟

بیشتر مردم علاقمندند تا به رازهای موفقیت پی ببرند . تحقیقات به روشی بسیار ساده ، مهارتهای عمده و راهکارهای لازم را برای کسب موفقیت آشکار می سازد . مشکل ترین قسمت ، هماهنگ نمودن موقعیت و وضعیت خودمان با مهارتها و راهکارها می باشد که مانند هر امر دیگری نیاز به تصمیم گیری و سخت کوشی دارد . بسیاری از زنان بر این باور هستند که باید در خصوصیاتى چون داشتن انرژی فراوان ، قاطعیت و سخت گیری ، تا حدودی خشونت و تا حدی هم در شوخ طبعی و انعطاف پذیری به حد مطلوب برسند . موارد ذکر شده گرایشهای لازم می باشند ، نه راهکارهای که بتوانیم آنها را بیاموزیم . هفت رازی که در زیر آمده است ، رازهایی هستند که می شوند آنها را فرا گرفت :

راز اول : افراد موفق به وجود مشاور ، حامی ، رهبر خوب و یا مربی اهمیت میدهند .

راز دوم : افراد موفق می دانند که چگونه نمود فیزیکی خویش را افزایش میدهند.

راز سوم : افراد موفق می دانند که چگونه شبکه ارتباطی مؤثر بگسترانند .

راز چهارم : افراد موفق آموخته اند که چگونه ارتباط مؤثرتری برقرار نمایند .

راز پنجم : افراد موفق می دانند که چگونه میان کار و امور خانوادگی تعادل ایجاد نمایند

راز ششم : افراد موفق می دانند وقت تصمیم هوشمندانه و اقدام جسورانه چه زمانی است

راز هفتم : افراد موفق سیاستهای سازمان خود را درک می کنند .

خلاصه و نتیجه گیری

کارآفرینی مقوله ای است که در شرایط خطر خیز و پرابهام و از طریق کشف فرصتها و بهره گیری از منابع پدید می آید . خلق ابتکارها و نوآوریها و ایجاد کسب و کارهای جدید قابلیت را نیازمند است که در عنصر کارآفرینی یافت می شود . از این رو دنیای کنونی توانسته است این فرآیند را با همه گرایشهایش به خوبی دریابد و در سالیان اخیر این دریافت را در مورد زنان تعمیق بخشیده است .

آموزه و دستاوردی که می توان از این تجارب برای توسعه کارآفرینی زنان در ایران دست چین کرد ، تدابیر و ابتکاراتی است که در این باره بکار بسته و توانسته اند حضور کثیری از قابلیتهای زنان کارآفرین را بستر پرورشی مناسب به حضور فعال در صحنه عمل ظاهر نمایند . در این بستر ضمن مطالعاتی وسیع در مورد مفهوم و ویژگیهای کارآفرینی ، موانع زنان کارآفرین را در شرایط و مناطق گوناگون مورد شناخت قرار داده اند .

با کشف موانع مذکور ، راههای مناسبی را برحسب شرایط و امکانات بالقوه و بالفعل برای توسعه این فرآیند انتخاب و در مسیر تجربه تکامل برنامه های توسعه ای خود پرداخته اند ، در سیاست گذاریها و برنامه ریزیها و اقدامات انجام شده در کشورهای مورد بررسی هم دولت ها نقش بسیار تعیین کننده و اساسی داشته اند و هم نقش نهادهای غیردولتی اثر

بخش بوده است . در مطالعات انجام شده چنین دریافت شد که آنها در چهار محور اصلی
فعالیت‌های خود را سامان داده اند :

۱) قابلیت کار آفرینی را از طریق افزایش دانش و مهارت

۲) ایجاد فرصت‌های کسب و کار در بخش‌های مختلف اقتصادی

۳) واگذاری امکانات ایجاد کسب و کار از جمله تسهیلات مالی

۴) تشکیل شبکه های محلی ، منطقه ای و جهانی برای زنان کارآفرین

این اقدامات سبب شد تا در بسیاری از کشورها زنان کار آفرین سهم عمده ای در
فعالیت‌های کار آفرینانه جوامع خویش به عهده گیرند و اقتصادی ملی را تا حد زیادی به خود
متکی نمایند این تجارب می تواند برای توسعه کارآفرینی زنان در ایران آموزنده باشد .
هرچند که کشف محدودیتها و موانع زنان کارآفرین در ایران در برخی از ابعاد نتایج متفاوتی
را با آنان در بر خواهد داشت .

به منظور کارآفرینی زنان و رسیدن به راهکارهای مناسب جهت توسعه این امر در
جامعه ، مطالعه ای در مورد ۲۰ کارآفرین زن در ایران صورت گرفته است . آنان در سالهای
اخیر به ایجاد کسب و کاری نو مبادرت نموده و توانسته اند با تدابیر و ابتکارات خود ، موانع
را پشت سر بگذارند .

محدودیتها و موانع به دست آمده در سر راه فعالیت‌های کارآفرینانه جمع بندی و در
سه دسته اصلی موانع فردی ، موانع سازمانی و موانع محیطی تقسیم شده است . موانع فردی
، محدودیت‌های خانوادگی و عملی را در بر می گیرد . در موانع سازمانی ، محدودیتها ناشی
از آنها محیط درون کسب و کار می باشد که به اجزاء دیگری همچون موانع مالی ، موانع

فیزیکی ، موانع پرسنلی و موانع بازار یابی تقسیم شده است . موانع محیطی ، محدودیتهای فرهنگی – اجتماعی و حقوقی را شامل می گردد .

بررسی عملکرد کار آفرینان مورد مطالعه نشان از آن دارد که از حصار موانع فوق عبور کرده و با خلق اثر و به کار گیری تدابیری نو ، مسیر کار آفرینی خویش را گشوده اند . شناخت و تحلیل این مهم نیز در تحقق حاضر ، منظور نظر می باشد .

مطالعه حاصل از تجارب سایر کشورها و شناخت موانع کارآفرینان مورد مطالعه در ایران فرصتی فراهم ساخت تا بتوان الگویی برای توسعه کارآفرینی زنان بر اساس ارزشهای مقبول فرهنگ ملی و مذهبی خود پیشنهاد کرد .

در این الگو سه استراتژی مدنظر میباشد . استراتژی نخست حفظ نهاد خانواده است . در شرایطی که پذیرفته ایم نهاد خانواده به عنوان بنیانی ترین تشکیل اجتماعی است و تزلزل در آن ناهنجاری های اجتماعی زیادی را در پی خواهد داشت ، کار آفرینی زنان با حفظ خانواده بی ارتباط نیست . دو استراتژی دیگر ، دولت به عنوان سیاست گذار و نهادهای غیردولتی به عنوان اجرا کننده و حمایت کننده می باشد .

نقش دولت بستر ساز ، سیاستگذاری و حمایت کننده است که وظایفی در این رابطه می تواند تقبل نماید . نهادهای غیر دولتی که به منظور سازمان غیردولتی (NGO) ، تعاونیها و موسسات خصوصی می باشد ، می توانند عامل مهمی در ترغیب کار آفرینی باشند .

به این ترتیب زنان کارآفرین در پیوند این سه محور اساسی که هر یک در جایگاه خویش نقش حمایت کننده و بستر ساز را دارند ، قرار می گیرند . هر چه نقش این عناصر

در پرورش زنان کار آفرین وزدودن موانع موجود اثر گذارتر باشد ، توسعه کار آفرینی زنان
در کشور معنای بیشتری خواهد یافت .